

ناظر بی طرف

22 اردیبهشت 1401

حرف‌های خوب، جملات قصار فقط مال فیلم، داستان و عالم هنر نیست. بعضی وقت‌ها آدم‌های عادی جملاتی می‌گویند که در عین سادگی باید به قول معروف با آب طلا نوشت، قاب گرفت و گذاشت جلوی چشم!

چند روز پیش به‌طور اتفاقی یکی از این جملات را از دهان راننده معترضی شنیدم که مرد مسنی بود. راننده دیگری بدون آنکه به قوانین رانندگی و حریم کوچه بن‌بستی توجه کند، سد راه او شده بود. مرد مسن که می‌خواست از کوچه خارج شود، ناگزیر بود با سختی و پذیرش خطر از باریکه جایی که مانده بود اتومبیلش را بیرون ببرد. اما ظاهراً ترجیح داده بود، بوق بزند و منتظر بماند تا راننده خاطی بیاید و از سر راهش کنار برود. راننده خاطی که جوانی نسبتاً درشت اندام بود سالانه‌سالانه آمد و با دست باریکه جا را نشان داد. مرد مسن اخمی کرد و با دست مسیر مستقیم را نشان او داد. راننده جوان طلبکارانه سوار اتومبیلش شد و راه را برای او باز کرد. مرد مسن به آرامی از کوچه بیرون آمد و طوری کنار اتومبیل راننده خاطی ایستاد که بتوانند رودررو باشند. بعد در حالی که شیشه اتومبیلش را پایین می‌داد با دست به او اشاره کرد تا شیشه ماشینش را پایین بدهد. جوان با اکراه پذیرفت. مرد مسن آرام گفت: جای درست پارک کن تا مزاحم مردم نباشی و دین کسی به گردنت نیفته! مرد جوان پوزخندی زد و گفت: چه حساس! بعد با دست ساختمان در حال ساخت کناری را نشان داد و گفت: ناظر ساختمان اینجا! مرد مسن انگار فحشی شنیده باشد، گفت: ناظر ساختمان هستی که هستی! قانون برای همه یکسانه، [رییس جمهور](#) هم باشی نباید جای غلط بایستی! بعد در حالی که به چهره جوان که پوزخندی روی صورتش ماسیده بود، ادامه داد: می‌دونی مشکل کشور کجاست و چرا گند ازش بالا میره؟ به خاطر همین طرز تفکر که امثال تو دارند. بعد راهش را می‌گیرد و می‌رود و مرد جوان مجال پیدا می‌کند تا در نبودش به او بد و بیراه بگوید و مسخره‌اش کند. مرد مسن که دور می‌شود من به حرف‌هایش فکر می‌کنم. دلم می‌خواهد به تلاقی عصبانیتی که چند روزی است از ناظرین مختلف دارم سرش داد بزنم. منظورم همه ناظرینی است که در جاهای مختلف کشور (هر دو [مجلس](#)، قوای مختلف، ادارات و سازمان‌ها) باید وظیفه نظارت را به عهده داشته باشند، اما انگار چشم و گوش ندارند (یا دارند و بسته‌اند) و زبان هم اگر دارند توجیه‌کننده شرایط سختی است که نبود ناظر بی‌طرف باعث و بانی آن است. گرانی، [اختلاس](#)، فقر و فحشا را نمی‌بینند یا می‌بینند و فکر می‌کنند فقط چهار مورد جزیی بیش نیست!

*حسن لطفی، روزنامه نگار